

## ❖ چهار) اشکال و جواب مرحوم نائینی در شبهه مفهومیه خاص منفصل دوران بین اقل و اکثر

۱. مرحوم نائینی، ضمن اینکه مبنای مرحوم آخوند را در شبهه مفهومیه خاص منفصل دوران بین اقل و اکثر می‌پذیرد (به اینکه در غیرمتیقن باید به عام تمسک کرد)، اما اشکالی را بر این سخن وارد می‌کند و البته در ادامه از آن جواب می‌دهد.
۲. اشکال چنین است:

«فان قلت) ان دليل حرمة إكرام العالم الفاسق و ان لم يكن رافعاً لظهور دليل وجوب إكرام العلماء إلّا انه لا محالة يوجب تقييد المراد الواقعي بغير الفاسق و بما ان المفروض إجمال مفهوم الفاسق لتردده بين الأقل و الأكثر يكون من يجب إكرامه من العلماء بحسب المراد الواقعي مرددا بين الأقل و الأكثر أيضا فلا يكون حينئذ فرق بين المخصص المتصل و المنفصل الا فيما ذكر من ان الأول رافع للظهور من أول الأمر دون الثاني و اما بالنسبة إلى تقييد المراد الواقعي فكل منهما يوجب إجماله بالضرورة و اما ما ذكر من جريان الأصول العملية عند دوران دليل الحرمة بين الأقل و الأكثر في المقدار الزائد على المتيقن فانما هو من جهة ان موضوع الأصول العملية هو عدم العلم و هو موجود عند الدوران المذكور وجدانا و هذا بخلاف الأصول اللفظية فانها انما تعتبر لأجل كشفها عن المراد الواقعي فإذا كان مردداً بين الأقل و الأكثر لتردد المخصص و إجماله لم يبق موضوع للتمسك بها و هذا هو الفارق بين الأصول اللفظية و العملية»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. اکرم العلماء ظهور در اکرام همه علما دارد
۲. و لا تکرّم الفاسق من العلماء، نمی‌تواند ظهور اکرام العلماء را از بین ببرد (بلکه حجیت آن را که همان مراد جدی متکلم باشد، در محدوده‌ی علمای فاسق از بین می‌برد)
۳. [و دقیقاً به همین جهت مرحوم آخوند می‌فرمود، اصالة الظهور در جایی که شک در تخصیص داریم (یعنی در محدوده‌ی غیرمتیقن؛ یعنی مرتکب صغیره) اصالة الظهور به قوت خود باقی است]
۴. اما: (اگرچه ظهور یعنی مراد استعمالی باقی است) ولی مراد جدی (واقعی) مقید شده است و تردید در معنای فاسق، تردید در مراد جدی ایجاد می‌کند.

۱. اجود التقريرات، ج ۱، ص ۴۵۶



۵. پس اگرچه در مخصص متصل، ظهور عام (اکرم العلما) در مرتکب صغیر موجود نیست و در مخصص منفصل، موجود است؛ ولی این ظهور در مورد مراد استعمالی است، و مراد جدی هم در مخصص متصل و هم در مخصص منفصل، مردد و مجمل شده است.

۶. [ان قلت: پس چرا اصولیون، در دوران بین اقل و اکثر اصالة البرائة را جاری می‌کنند؟]

۷. [قلت: در جریان اصول عملی، آنچه ملاک است، عدم علم (و شک) است و ما در مازاد (غیر قدرمتیقن) شک داریم و لذا اصل جاری می‌شود ولی در ما نحن فیه بحث درباره جریان اصول لفظی است.

۸. و اصول لفظی (اصالة العموم و اصالة الظهور) اگر حجت هستند برای کشف از مراد جدی هستند.

۹. و لذا نمی‌توان با وجود شک در مراد جدی، اصالة العموم را جاری کرد.

ما می‌گوییم:

ما حصل اشکال آن است که:

۱. وقتی خاص منفصل مردد است، مراد واقعی مردد است. و وقتی مراد واقعی (جدی) مردد است، اصول لفظی به کار نمی‌آید.

در حالیکه اصول عملی در جایی که مراد جدی مردد هستند به کار می‌آیند

۲. پس اگرچه ظهور عام در عموم است ولی تردید در مراد جدی مانع از جریان اصالة العموم می‌شود.

مرحوم نایینی خود به این اشکال پاسخ می‌دهد:

«قلت) قد ذکرنا سابقا ان الأحکام انما تتعلق بالمفاهیم باعتبار کونها مرآة للحقائق التي تطابقها

فی الخارج لا بما هی مفاهیم و علیه فإذا کان دلیل وجوب إکرام العالم عاماً بالنسبة إلى کل

انقسام یمکن ان ینفرض فی مفهوم العالم ککونه مرتکب الكبيرة و غیره و کونه مرتکب الصغيرة

و غیره إلى غیر ذلك من الانقسامات فبإزاء کل انقسام ینفرض فی العام تكون فیه جهة إطلاق

لا ترفع الید عنها إلاّ بدلیل فإذا ورد مخصص منفصل مردد بین الأقل و الأكثر کدلیل حرمة

إکرام العالم الفاسق کان اللّازم هو رفع الید عن إطلاق دلیل العام بالإضافة إلى مرتکب الكبيرة

المعلوم إرادته من الخاصّ و اما مرتکب الصغيرة فلم ینعلم دخوله فی مفهوم الفاسق المقید للعام

بما انه حاک عن مطابقه فی الخارج فلا ینکون هناك موجب لرفع الید عن ظهور العام فی شموله

له فالإطلاق من هذه الجهة بلا معارض لقصور دلیل المخصص عن التقیید بعدم کون العالم

مرتکب الصغيرة علی الفرض»<sup>۱</sup>

۱. همان



توضیح:

۱. موضوع هر حکم [عام]، یک مفهوم عام است.
۲. و مفهوم از آن جهت موضوع حکم شده است که مصادیقی در خارج دارد (و نه بما هی).
۳. [پس وقتی عام، موضوع حکم است]، می توان آن را به صورت های مختلف و با عناوین مختلف تقسیم بندی کرد.
۴. پس وقتی گفته می شود اکرم العلما این جمله، از جهات مختلف قابل تقسیم بندی است:  
«علمای مرتکب کبیره و علمای غیر مرتکب کبیره»، «علمای مرتکب گناه و علمای غیر مرتکب گناه»  
و ...
۵. حال اگر «لا تکرّم الفساق من العلما» وارد شد، این تعبیر می تواند قسمت علمای مرتکب کبیره را از تحت عام خارج کند و می تواند همه علمای مرتکب گناه را خارج کند و چون مشکوک است، فقط قدر متیقن را اخذ می کنیم.
۶. پس اطلاق عام نسبت به مرتکب صغیره باقی است.

ما می گوئیم:

۱. در پاسخ به اصل اشکال می توان گفت:  
«اصالة العموم از صغریات اصالة الظهور است، و اصالة الظهور همان اصالة التطابق است که سابقاً مطرح کرده ایم و یک اصل عقلایی است.» و این اصل، اتفاقاً در جایی مطرح می شود که مراد استعمالی معلوم است و مراد جدی مشکوک است  
و اگر ادعا شود که چنین اصلی در جایی که شک در وجود قرینه باشد، جاری می شود ولی در جایی که شک در «قرینیت موجود» باشد جاری نمی شود، می گوئیم این اصل هم در صورت شک در قرینه و هم در صورت شک در قرینیت موجود جاری می شود.
۲. اما به نظر می رسد پاسخ مرحوم نائینی با اشکال مواجه است چرا که عام، ناظر به افراد است و انقسامات عنوانی در عام لحاظ نمی شود تا بگوئیم همه عناوین با انقسامات مختلف در آن لحاظ شده اند و تخصیص یکی، لحاظ سایر انقسامات را با مشکل مواجه نمی کند.

